

بالکان: بازیگران تأثیرگذار

اهداف، منافع و رویکردها

www.ketab.ir

مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات
بین‌المللی ابرار معاصر تهران

۱۳۹۲

سرشناسه:	عسگری، حسن، ۱۳۴۴-
عنوان و نام پدیدآور:	بالکان: بازیگران تأثیرگذار (اهداف، منافع و رویکردها) / تألیف حسن عسگری؛ نظارت و اجرا مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران. معاونت پژوهشی.
مشخصات نشر:	تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری:	۲۸۶ ص: مصور، جدول، نمودار
فروست:	انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران؛ ۳۸۲
شابک:	۱۳۰۰۰ ریال: 978-964-526-207-3
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه: ص. ۲۴۵
عنوان دیگر:	بازیگران تأثیرگذار (اهداف، منافع و رویکردها)
موضوع:	بالکان - سیاست و حکومت
موضوع:	جنگ یوگسلاوی، ۱۹۹۱ - ۱۹۹۵ م. - بوسنی و هرزگوین
موضوع:	جنگ کوزوو، ۱۹۹۸ - ۱۹۹۹ م.
موضوع:	بالکان - روابط خارجی
موضوع:	بالکان - سیاست و حکومت - ۱۹۸۹ م.
موضوع:	بالکان - تاریخ
شماره افزوده:	مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران. معاونت پژوهشی
نام افزوده:	مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
رده‌بندی کنگر:	DR۱۷۷ع۵ب۱۲۲
رده‌بندی دیوئی:	۹۴۹/۳۱۵۰۹
شماره کتاب‌شناسی ملی:	۳۱۵۰۹



انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران؛ ۳۸۲

تهران: صندوق پستی ۳۸۴۹ - ۱۵۸۷۵، تلفن: ۷ - ۸۸۰۰۲۲۰۰، نمابر: ۸۸۵۰۳۲۶۴

نشانی اینترنت: www.tisri.org پست الکترونیک: info@tisri.org

بالکان: بازیگران تأثیرگذار (اهداف، منافع و رویکردها)

نظارت و اجرا: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران - معاونت پژوهشی

تألیف: حسن عسگری

ویراستار: منیره آذری

صفحه‌آرا: منصوره سعادت

نمونه‌خوان: سمانه ضرابی‌نژاد - ساقی پناهی‌نژاد

چاپ نخست: آذر ۱۳۹۲

چاپ و صحافی: باقری

شابک: ۳ - ۲۰۷ - ۵۲۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

کد بازیابی در کتابخانه دیجیتال دی‌دی: 627F467

شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه

قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

همه حقوق محفوظ است.

پیشگفتار

منطقه بالکان و به‌طور خاص بالکان غربی بی‌تردید، از جهات مختلف یکی از مناطق حساس و مهم در سطح جهان و عرصه بین‌المللی است. این منطقه چندملیتی، چندقومی و چندفرهنگی که به موزائیک اقوام، ملل، مذاهب و فرهنگ‌های مختلف مشهور است، چندین جنگ و بحران را در سطوح منطقه‌ای و جهانی تجربه کرده و از این منظر، منحصربه‌فرد است.

بالکان از مناطق بحران‌خیز جهان است که در طول تاریخ همواره با جنگ‌های داخلی، منطقه‌ای و حتی جهانی مواجه بوده است و به همین دلیل، از آن به‌عنوان منطقه‌ای خاص یاد می‌کنند. منشأ و عامل وقوع دو جنگ جهانی اول و دوم، این منطقه بوده است. جنگ‌های استقلال‌طلبانه و قومی کشورهای منطقه نیز که در دهه نود (سال‌های ۹۰ تا ۹۵) به‌دنبال فروپاشی یوگسلاوی سابق رخ داده و در زمره خونین‌ترین جنگ‌های جهان شناخته شده‌اند، نیز از دیگر جنگ‌های این منطقه بحران‌خیز به‌شمار می‌روند و به همین سبب از بالکان به‌عنوان بحران‌دین منطقه جهان در آخرین دهه قرن بیستم نام می‌برند و چنین تحولاتی نشانگر اهمیت این منطقه برای قدرت‌های بزرگ، ذی‌نفوذ، و رقیب است.

ناشناخته بودن این منطقه در جامعه، ناکافی بودن منابع فارسی و همچنین شناخت و آگاهی بیشتر از ویژگی‌ها، تحولات، بازیگران و کنشگران فعال و مؤثر این منطقه از نکات حائز اهمیت بود که نگارنده را به سمت نگارش این کتاب سوق داد. به‌عبارت دیگر، تولید بسیار کم ادبیات علمی به زبان فارسی درمورد تحولات بالکان انگیزه اصلی نگارنده برای انجام این تحقیق بود. ضمن آنکه شناخت اجمالی از تحولات این منطقه مهم و استراتژیک طی دو دهه اخیر از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و معرفی اهداف، منافع و رویکردهای قدرت‌ها و بازیگران ذی‌نفوذ و مهم در این منطقه از دیگر ضرورت‌هایی است که نگارنده را برای انجام این تحقیق مصمم‌تر کرده و موضوع و هدف اصلی این تحقیق نیز بوده است.

نگاه به تحولات منطقه بالکان از نمای بیرون و بهره‌گیری از منابع خارجی و انجام تحقیق میدانی با توجه به حضور نگارنده در منطقه و بهره‌گیری از منابع مختلف خارجی از دیگر نکات برجسته کتاب حاضر است. نکته دیگر که پژوهش حاضر را بااهمیت‌تر می‌نماید، بررسی موردی بحران‌های

بوسنی و هرزه‌گوین و کوزوو - به‌عنوان دو بحران بالقوه در سطح منطقه و جهان - به‌همراه مواضع و سیاست‌های بازیگران مهم منطقه و جهان ازجمله جمهوری اسلامی ایران درقبال این دو بحران است که مطمح نظر قرار گرفته است.

علاوه‌بر انگیزه‌ها و اهداف فوق تلاش شده است که این تحقیق با معرفی اهداف و تلاش‌های بازیگران رقیب ج.ا.ایران، سهمی در جهت تأمین منافع ملی کشورمان و سیاست خارجی آن داشته باشد و امید است به‌عنوان تحقیقی علمی و کاربردی، بتواند به جامعه علمی، دانش‌پژوهان، محققان و کارشناسان سیاسی و بین‌المللی کشورمان کمکی هرچند ناچیز نماید.

در پایان، بر خود فرض می‌دانم که از راهنمایی‌های اساتید ارزشمندی همچون جناب آقای دکتر سجادی‌پور در مقام مشوق مهم خود و راهنمایی‌ها و حمایت‌های برخی دوستان و همکاران محترم برای انجام کار تحقیقاتی، و نیز زحمات مسئولان و همکاران محترم مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار، حاصل تهران در انتشار این کتاب تشکر و قدردانی نمایم.

بیان عیوب، نواقص، ایرادات و نقاط ضعف کتاب، هدیه بزرگی به نگارنده برای رفع آنها و ارتقاء کیفی آثار بعدی خواهد بود؛ زیرا بی‌سک هیچ اثری به‌جز کلام خداوند باری‌تعالی بی‌عیب و نقص نیست.

حسن عسگری

آبان ۹۲

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۵
فصل اول: منطقه بالکان (گذشته، حال و چشم‌انداز آینده).....	۲۳
۱. کلیات، تعاریف، واژه‌ها و اصطلاحات.....	۲۳
۱-۱. بالکان، بالکانیسم، بالکانیزاسیون، اروپای جنوب شرقی، بالکان غربی.....	۲۳
۲-۱. اصطلاح جنوب شرق اروپا.....	۲۴
۳-۱. اصطلاح بالکان غربی.....	۲۵
۴-۱. اصطلاح بالکانیزاسیون در برابر اروپانیزاسیون.....	۲۶
۲. تاریخچه بالکان.....	۲۶
۳. ویژگی‌ها و مختصات منطقه.....	۲۹
۴. مدل‌ها و تعاریف موجود درمورد اروپای جنوب شرقی.....	۳۰
۴-۱. مدل بالکان سنتی.....	۳۰
۴-۲. مدل پیمان ثبات برای اروپای جنوب شرقی.....	۳۰
۴-۳. مدل برنامه همکاری‌های فراملی برای جنوب شرق اروپا.....	۳۱
۵. اهمیت و ویژگی‌های منطقه بالکان.....	۳۱
۶. تغییرات ژئوپلیتیکی، استراتژیکی و ژئواکونومیکی در منطقه.....	۳۳
۶-۱. تغییرات ژئوپلیتیکی.....	۳۳
۶-۲. تغییرات استراتژیکی.....	۳۳
۶-۳. تغییرات ژئواکونومیکی.....	۳۴
۷. جمعیت، اقوام و ادیان در بالکان و بالکان غربی.....	۳۴
گروه‌ها و اقوام بالکان غربی.....	۳۵
۸. جنگ‌های خونین بالکان و علل و ریشه‌های آنها.....	۳۶
۸-۱. جنگ اول بالکان.....	۳۶

- ۲-۸. جنگ دوم بالکان ۳۷
- ۳-۸. جنگ‌های جهانی اول و دوم و نقش بالکان ۳۷
- ۴-۸. جنگ سوم بالکان، جنگ‌های دهه نود ۳۷
- ۵-۸. علل و آریشه‌های جنگ‌های خونین بالکان ۳۷
۹. مکاتب فکری دهه نود و رویکردهای موجود در بالکان ۳۸
- ۹-۱. مکاتب فکری دهه نود ۳۹
- ۹-۲. رویکردهای مربوط به تحولات آتی منطقه بالکان غربی ۴۰
۱۰. چشم‌انداز آینده منطقه بالکان غربی ۴۲

فصل دوم: سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال منطقه بالکان غربی ۴۷

۱. مقدمه ۴۷
۲. سابقه و روند هم‌زمانی اتحادیه اروپا ۵۰
۳. مفهوم گسترش اتحادیه اروپا ۵۱
۴. مراحل گسترش اتحادیه اروپا ۵۳
- ۴-۱. مرحله پیش از گسترش (مرحله منار یا مرحله ابتدایی) ۵۳
- ۴-۲. مرحله اول: گسترش به سمت شمال ۵۳
- ۴-۳. مرحله دوم: گسترش به سمت جنوب ۵۴
- ۴-۴. مرحله سوم: گسترش به سمت جنوب ۵۴
- ۴-۵. مرحله چهارم: گسترش به سمت شمال ۵۴
- ۴-۶. مرحله پنجم: گسترش به سمت شرق و مرکز ۵۴
- ۴-۷. مرحله ششم: گسترش به شرق ۵۴
- ۴-۸. مرحله هفتم: ادامه گسترش به شرق ۵۵
- ۴-۹. پیش‌بینی مراحل بعدی گسترش اتحادیه اروپا ۵۵
۵. دیدگاه‌های موجود در خصوص گسترش و چشم‌انداز آتی آن: افقی و عمودی ۵۶
۶. علائق و منافع اروپا در منطقه بالکان ۵۷
۷. استراتژی‌های اتحادیه اروپا در حوزه جنوب شرق اروپا و بالکان غربی و روابط فیما بین ۵۷
۸. چشم‌انداز الحاق کشورهای منطقه به اتحادیه اروپا ۶۶

- ۱-۸. نقش کرواسی در کمک به الحاق کشورهای منطقه به اتحادیه اروپا ۷۳
۹. جمع‌بندی ۷۴

فصل سوم: سیاست‌های آمریکا در قبال منطقه بالکان غربی ۸۱

۱. مقدمه ۸۱
۲. سیاست‌های آمریکا طی دو دهه گذشته (بررسی تاریخی) ۸۴
۳. بالکان در دوره حکومت بوش پدر ۸۵
۴. دکترین دولت کلinton در مورد منطقه بالکان ۸۶
۵. پیمان صلح دیتون و مفاد آن ۸۸
۶. سیاست‌های دولت جورج بوش پسر ۹۰
۷. رویکرد دولت باراک اوباما ۹۲
- ۷-۱. رویکرد بوش به منطقه بالکان (عدم اولویت و عدم تغییر) ۹۲
- ۷-۲. بالکان به عنوان یکی از اولویت‌های دولت اوباما ۹۳
۸. استقرار سپر دفاع موشی در برخی کشورهای منطقه بالکان ۹۶
۹. کمک‌ها و حمایت‌های مالی و فنی نظامی ۹۷
۱۰. ارزیابی و چشم‌انداز آتی منطقه بالکان از نگاه آمریکا ۹۹

فصل چهارم: استراتژی، اهداف و منافع روسیه در منطقه بالکان غربی ۱۰۵

۱. مقدمه ۱۰۵
۲. سابقه و تاریخچه حضور روسیه در منطقه ۱۰۶
۳. تغییرات ژئوپلیتیکی، استراتژیکی و ژئواکونومیکی ۱۰۹
- در منطقه و جایگاه روسیه ۱۰۹
- ۳-۱. تغییرات ژئوپلیتیکی ۱۰۹
- ۳-۲. تغییرات استراتژیکی ۱۰۹
- ۳-۳. تغییرات ژئواکونومیکی ۱۰۹
۴. اهداف و منافع روسیه در منطقه بالکان ۱۱۰
- ۴-۱. منافع و اهداف سیاسی و ژئوپلیتیکی ۱۱۰
- ۴-۲. اهداف و منافع فرهنگی و ژئوکالچرال ۱۱۲

- ۳-۴. اهداف و منافع اقتصادی و ژئواکونومیکی ۱۱۳
۵. وضعیت انرژی در کشورهای منطقه جنوب شرق اروپا و جایگاه روسیه ۱۱۶
۶. خطوط لوله نفت و گاز منطقه بالکان و نقش روسیه ۱۲۰
۷. جمع‌بندی ۱۲۱

فصل پنجم: سیاست‌ها و خط‌مشی‌های ترکیه در منطقه بالکان غربی ۱۲۵

۱. مقدمه ۱۲۵
۲. جایگاه و اهمیت منطقه بالکان برای ترکیه ۱۲۷
۳. گفتمان‌های سیاست خارجی ترکیه در دهه پس از جنگ سرد و مورد منطقه ۱۲۹
۴. عوامل مهم خیل در سیاست‌های بالکانی ترکیه (منافع ترکیه در منطقه) ۱۳۲
۵. قدرت سخت افزاری و نرم افزاری ترکیه در بالکان غربی (فعالیت‌های عمده ترکیه در منطقه در خلال دو دهه اخیر) ۱۳۶
- ۱-۵. استراتژی قدرت نرم ۱۳۶
- ۲-۵. قدرت سخت افزاری ۱۴۲
۶. سیاست خارجی ترکیه در بالکان طی دهه اول با تمرکز بر فروپاشی یوگسلاوی و بروز بحران‌های بوسنی و هرزگوین و کوزوو (۱۹۹۰-۲۰۰۰) ۱۴۳
۷. سیاست خارجی ترکیه در بالکان طی دهه دوم (۲۰۰۰-۲۰۱۱): ثبات‌سازی، توسعه همکاری‌های چندجانبه با کشورهای بالکان با هدف الحاق به ساختارهای یورو - آتلانتیک ۱۴۷
- ۱-۷. ترکیه: قدرت نوظهور منطقه‌ای با آرزوهای جهانی ۱۴۸
- ۲-۷. سیاست‌های بالکانی ترکیه در آغاز قرن ۲۱ (۲۰۰۰-۲۰۰۸) ۱۴۹
- ۳-۷. سیاست‌های بالکانی ترکیه در عصر جدید (استراتژی سیاست فعال) در دوره اسلام‌گراها - (۲۰۰۹ تاکنون) ۱۵۰
- ۴-۷. جایگاه بالکان در مؤلفه‌های دکترین «عمق استراتژیک» داوود اوغلو ۱۵۰
- ۵-۷. دیپلماسی ترکیه در بالکان غربی (افزایش نقش و نفوذ ترکیه در منطقه) ۱۵۳
- ۶-۷. رویکرد ملل بالکان غربی به سیاست‌های احیاء نعثمانی‌گرایی ترکیه ۱۵۷
۸. جمع‌بندی ۱۵۸

فصل ششم: سیاست‌ها و خط‌مشی‌های ج.ا.ایران در منطقه بالکان غربی ۱۶۳

۱. مقدمه ۱۶۳
۲. اهمیت بالکان غربی برای ج.ا.ایران ۱۶۴
۳. تاریخچه روابط ایران با کشورهای منطقه ۱۶۵
۴. موانع و دلایل حضور کمرنگ ایران در منطقه: راهکارهای برون‌رفت ۱۶۷
۵. منطقه بالکان غربی: فرصت‌ها و تهدیدات فراروی ایران ۱۷۱

فصل هفتم: سیاست‌ها و مواضع بازیگران منطقه در قبال

دو بحران بوسنی و هرزه‌گوین و کوزوو: بررسی موردی ۱۷۹

۱. مقدمه ۱۷۹
۲. تاریخچه منطقه بالکان، فروپاشی یوگسلاوی سابق و ریشه‌های جنگ‌های داخلی ۱۷۹
۳. سابقه و ریشه‌های بحران کوزوو ۱۸۱
- ۳-۱. قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت، طرح آهتیساری و نتایج آن ۱۸۳
- ۳-۲. جزئیات طرح آهتیساری در مورد کوزوو ۱۸۴
- ۳-۳. اعلام استقلال کوزوو ۱۸۵
- ۳-۴. رویکردهای مختلف در خصوص استقلال کوزوو ۱۸۶
- ۳-۵. تحلیلی بر اوضاع کنونی و چشم‌انداز آتی بحران کوزوو ۱۸۷
۴. ریشه‌های بحران بوسنی و هرزه‌گوین ۱۹۲
- ۴-۱. طرح‌های صلح (طرح صلح ونس - اوئن و طرح صلح اوئن - استولتنبرگ) ۱۹۵
- ۴-۲. پیمان‌های صلح (موافقت‌نامه واشنگتن و پیمان صلح دیتون) ۱۹۵
- ۴-۳. مفاد و جزئیات مهم پیمان صلح دیتون ۱۹۷
- ۴-۴. آینده تحولات بوسنی و هرزه‌گوین ۱۹۹
۵. سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران کوزوو و بوسنی و هرزه‌گوین ۱۹۹
- ۵-۱. بحران بوسنی و هرزه‌گوین ۱۹۹
- ۵-۲. بحران کوزوو ۲۰۴
۶. سیاست خارجی و مواضع آمریکا در قبال بحران بوسنی و هرزه‌گوین و کوزوو ۲۰۷

- ۱-۶. بحران کوزوو..... ۲۰۷
- ۲-۶. نقش کنگره آمریکا در بحران کوزوو..... ۲۱۰
- ۳-۶. بحران بوسنی و هرزگوین..... ۲۱۱

۷. سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قبال بحران

- کوزوو و بوسنی و هرزگوین..... ۲۱۴
- ۱-۷. بحران کوزوو..... ۲۱۴
- ۲-۷. بحران بوسنی و هرزگوین..... ۲۱۶
۸. سیاست خارجی روسیه در قبال بحران کوزوو و بوسنی و هرزگوین..... ۲۱۹
- ۱-۸. بحران کوزوو..... ۲۱۹
- ۲-۸. بحران بوسنی و هرزگوین..... ۲۲۵
۹. سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال بحران کوزوو و بوسنی و هرزگوین..... ۲۲۶
- ۱-۹. بحران بوسنی و هرزگوین..... ۲۲۶
- ۲-۹. بحران کوزوو..... ۲۲۸

فصل هشتم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری..... ۲۳۹

منابع و مآخذ..... ۲۴۵

ضمائم

- ضمیمه ۱. نگاهی کلی و آماری به کشورهای منطقه بالکان غربی ۲۵۵
- ضمیمه ۲. قرارداد صلح دیتون (بوسنی و هرزگوین) ۲۶۶
- ضمیمه ۳. متن قرارداد تاریخی میان صربستان و کوزوو ۲۷۳
- ضمیمه ۴. متن قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد
درمورد وضعیت کوزوو ۲۷۵
- ضمیمه ۵. نقشه‌های مختلف بالکان، بالکان غربی، جنوب شرق اروپا،
و یوگسلاوی سابق ۲۷۹

مقدمه

منطقه بالکان از جمله مناطق بحران خیز جهان است که در طول تاریخ همواره با جنگ‌های داخلی، منطقه‌ای و حتی جهانی مواجه بوده است که شاید در جهان از این بعد استثنا باشد. منشأ و عامل وقوع دو جنگ جهانی اول و دوم از این منطقه بوده است. وقوع جنگ‌های استقلال‌طلبانه و قومی کشورهای منطقه در دهه نود (سال‌های ۹۱ تا ۹۵) به دنبال فروپاشی یوگسلاوی به‌ویژه در بوسنی و هرزگوین و بحران کوزوو نیز از دیگر جنگ‌های این منطقه بحران خیز بوده است که چنین تحولاتی اهمیت این منطقه را برای قدرت‌های بزرگ و رقیب نشان می‌دهد. مارک آلموند، مورخ انگلیسی معتقد است تاریخ بالکان و بحران‌هایی که در این منطقه از اوایل قرن نوزدهم برای قدرت‌های بزرگ ایجاد شده، از سحرآمیزترین فرایندهای تحولات تاریخ مدرن به‌شمار می‌رود. دولت‌های زیادی در بالکان ظهور یا سقوط یافتند یا به‌زعم یکی از محققان «بالکان، خاورمیانه‌ای است در دل اروپا و این نه به‌معنی نفت‌خیز بودن که به‌معنای بحران‌ساز بودن این منطقه حساس بین‌المللی است».

منطقه بالکان به‌علت برخورداری از موقعیت جغرافیایی ویژه و نقش ژئواستراتژیکی به‌عنوان محل تقاطع شرق و غرب و اروپا و آسیا و به‌عبارتی، چهارراه تمدن‌های جهانی، همواره مورد توجه قدرت‌های مطرح بوده و در طول تاریخ، قدرت‌ها و بازیگران منطقه‌ای و جهانی متعددی را برای محک زدن، زورآزمایی و واقعی نمودن منافع خود جذب کرده است. خاک بالکان در طول تاریخ برای قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی جذاب بوده است تا از این طریق هم نفوذ خود را به سایر مناطق گسترش دهند و هم منافعی را تأمین کنند.

منطقه بالکان از قرن پانزدهم تحت حکومت چند قدرت خارجی نظیر: امپراتوری عثمانی، امپراتوری بیزانس، بریتانیای کبیر، فرانسه، روسیه، آمریکا، و قدرت‌های مرکزی نظیر: امپراتوری اتریش، مجارستان، و آلمان بوده است. در دوره جنگ سرد و جهان دوقطبی نیز این منطقه محل رقابت دو ابرقدرت شرق و غرب بود. زمانی که جنگ‌های خونین و مناقشات در دهه نود در کل این منطقه و به‌ویژه در بوسنی و هرزگوین و بعد کوزوو آغاز و تشدید گردید، منطقه مجدداً به قطب ژئوپلیتیکی تبدیل شد تا جایی برای زورآزمایی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای از جمله قدرت‌های نوظهور به‌منظور گسترش حوزه نفوذ خود و تسلط بر منطقه و به‌تبع آن در صحنه جهانی باشد؛ به‌همین دلیل، این منطقه به‌عنوان یکی از بی‌ثبات‌ترین

مناطق اروپا و حتی جهان، همواره بستر حوادث مهم و غیرپیش‌بینی بوده و هست و شاید از این جهت همیشه مورد توجه قدرت‌ها و بازیگران منطقه‌ای و بزرگ جهانی بوده است.

شاید منطقه بالکان به‌طور کلان و بالکان غربی در سطح خرد، زمین بازی و تفرجگاه مناسبی برای تحقق منافع بازیگران باشد. این منطقه از یک سو به سبب موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی‌اش و از سوی دیگر، به سبب ترکیب اقوام و ملت‌های مختلف، همواره در کانون منازعات و مناقشات قرار داشته و به منطقه‌ای بی‌ثبات و ناامن در اروپا تبدیل شده است.

بسیاری از تحلیل‌گران، بالکان را نقطه اتصال و الحاق اوراسیا می‌دانند. در گذشته، این منطقه را راه رسیدن اروپا به آسیا فرض می‌کردند، ولی امروزه از آن به‌عنوان راه ورود آسیا به اروپا یاد می‌کنند. در هر دو حالت، بالکان برخوردگاه و نقطه الحاق اوراسیا محسوب می‌شود که البته زمانی به‌عنوان سپر ایدئولوژیکی میان دربارک شرق و غرب عمل می‌کرد، ولی امروزه به‌عنوان نقطه ژئواستراتژیکی و کریدور کلیدی و ترانزیتی برای انتقال انرژی روسیه و آسیای مرکزی و قفقاز به غرب نیز محسوب می‌شود.

به عبارت دیگر، این تصور و هیئت مشترک در میان تحلیل‌گران، محققان و سیاستمداران غربی وجود دارد که منطقه جنوب شرق اروپا، منطقه‌ای با اهمیت تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از جنس و سنخ خاص خود است. از بُعد تاریخی، این منطقه به مرکز نقل و محل تقاطع و تعامل فرهنگ‌های مختلف شهرت یافته است. از بُعد جغرافیایی و ژئوپلیتیکی نیز به‌عنوان نقطه اتصال و محل تقاطع میان غرب و شرق، نزدیکی به خاورمیانه و حدها فصل میان دریای سیاه، دریای آدریاتیک و سلطه بر آبراه‌های مهم جهان نظیر کانال سوئز مطرح است. از بُعد سیاسی به علت سابقه تاریخی و وجود درگیری‌ها و تنش‌ها همچنان به‌عنوان منطقه بحران‌خیز، تنش‌زا، و مهم مطرح است. از بُعد اقتصادی و استراتژیکی به‌عنوان حلقه اتصال و نقطه ترانزیت انرژی شرق به اروپای غربی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بالکان از بُعد دینی نیز منطقه‌ای است که در آن، مسیحیت ارتدکس و کاتولیک با هم همزیستی دارند و به‌عنوان نقطه مشترک اسلام و مسیحیت نیز مطرح است. عمده مسلمانان اروپا در این منطقه زندگی می‌کنند. بالکان به لحاظ تکرر فرهنگی، زبانی، و قومیتی نیز به منطقه چندقومی، چندنژادی و چندفرهنگی مشهور است و از تنوع نژادی، قومی و دینی مختلفی برخوردار است. از این نظر نیز شبه جزیره بالکان یکی از پیچیده‌ترین مناطق جهان است.

فروپاشی بلوک شرق و ساختار نظام دوقطبی تحولات شگرفی را در جهان به دنبال داشت. فروپاشی شوروی سابق و بلوک شرق نه تنها موجب تغییر برخی مرزها و ایجاد کشورهای جدید در جهان شد، بلکه تغییراتی اساسی را در سیاست‌ها و خط‌مشی‌های قدرت‌های جهان و همچنین در ساختار نظام بین‌الملل به وجود آورد و جهان را با چالش‌هایی مواجه کرد که فروپاشی یوگسلاوی سابق در دهه نود یکی از پیامدهای آن بود؛ لذا در این تحول مهم، این منطقه از جهان در سه حوزه ژئوپلیتیک، استراتژیک و

ژئواکونومیکی دچار تغییرات اساسی شد؛ بدین معنی که از بُعد ژئوپلیتیکی، نسبت به تعداد کشورهای منطقه تغییرات اساسی رخ داد. به جای شش کشور مصطلح «فرمول بالکان» یعنی دو کشور یمنان و ریشو (بلغارستان و رومانی)، دو کشور عضو ناتو (ترکیه و یونان). و دو کشور بی طرف (یوگسلاوی و آلبانی)، امروزه شاهد یازده کشور در این منطقه هستیم. به عبارت دیگر، علاوه بر کشورهای قدیم شامل: آلبانی، بلغارستان، ترکیه، یونان و رومانی، شش کشور جدید یعنی کرواسی، اسلوونی، مقدونیه، بوسنی و هرزه گوین، صربستان، و مونته نگرو. (سال ۲۰۰۶) پا به عرصه جهان گذاشتند و استقلال خود را اعلام کردند. البته کوزوو نیز در سال ۲۰۰۸ استقلال یکجانبه اش را از صربستان اعلام نمود که تا آبان ۱۳۹۲/ نوامبر ۲۰۱۳ بالغ بر ۱۰۶ کشور جهان استقلال آن را مورد شناسایی قرار دادند، اگرچه هنوز به عنوان کشور رسمی پا به عرصه جهانی نگذاشته است.

از بُعد استراتژیکی نیز منطقه دچار تغییرات اساسی شد. اتحادیه اروپا رویکرد گسترش به این منطقه و الحاق کشورهای منطقه به آن اتحادیه را به عنوان آخرین بخش اروپا اعلام نمود و در دستور کار خود قرار داد و کشورهای منطقه نیز متقابلاً رویکرد پیوستن به ساختارهای یورو - آتلانتیک را به عنوان اولویت اول و آرزوی دیرینه خود اعلام کردند. از بُعد ژئواکونومیکی نیز قدرت های بزرگ به رقابتشان بر سر این منطقه شدت بخشیدند. غرب و خاصه اروپا به دنبال تقویت انرژی خود با تنوع سازی در منابع و خروج از وابستگی به روسیه برآمدند و روسیه نیز متقابلاً از انرژی به عنوان مهم ترین اهرم خود جهت تأثیر گذاری بر سیاست های غرب و اروپا با نفوذ و حضور بیشتر در این منطقه بهره برداری نمود.

فروپاشی ساختار دوقطبی و ابر قدرت شرق و همچنین ظهور کشورهای جدید در منطقه بالکان از یک سو فرصت هایی را برای کشورها و بازیگران مهم منطقه ای و بین المللی به منظور گسترش حوزه نفوذ خود ایجاد کرد و از سوی دیگر، چالش هایی را هم برای منطقه نظیر بی ثباتی، امنی، و تنش در منطقه (از جمله: بحران خونین دهه نود) و در سطح جهان ایجاد کرد.

هرچند براساس ترجیحات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ایدئولوژیکی، تعداد، نقش و نفوذ بازیگران در منطقه بالکان همواره در معرض تغییر بوده است، آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه، ترکیه و ج.ا.ایران از جمله بازیگران مهم منطقه ای و فرامنطقه ای بالکان به ویژه بالکان غربی محسوب می شوند که بر تحولات این منطقه تأثیر گذارند.

آمریکا که دارای منافع سیاسی، اقتصادی، و نظامی در بالکان است، بعد از جنگ سرد و فروپاشی شوروی سابق، تنها ابر قدرت جهانی و از بازیگران اصلی منطقه بود که تلاش کرد با استفاده از این فرصت طلایی، بر منطقه بالکان تسلط و کنترل یابد و کشورهای اقماری شوروی سابق را به جرگه خود درآورد. این کشور با حضور نظامی در منطقه تلاش کرد نفوذ خود را در بالکان به عنوان پایگاهی برای تأمین منافعش در خاورمیانه گسترش دهد و با اهرم ناتو نیز موفق شد با دخالت در بحران های بوسنی و

هرزه‌گوین و کوزوو، نفوذش را در این منطقه افزایش دهد و جایگاه خود را تثبیت نماید.

هرچند منطقه بالکان یکی از اولویت‌ها و نگرانی‌های سیاست خارجی آمریکا بوده است، در خلال دو دهه گذشته و طی دوره‌های مختلف، سیاست‌های این کشور در این منطقه همواره روندی زیگزاگی را طی کرده است. ایالات متحده در دوره‌ای نظیر جنگ‌های داخلی و به‌ویژه بحران بوسنی و هرزه‌گوین حضوری پررنگ داشته؛ ولی در برخی دوره‌ها بسیار کم‌رنگ ظاهر شده است. لذا اگرچه بالکان از جمله اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا طی دو دهه اخیر بوده و سعی کرده است حضوری فعال و قوی در این منطقه داشته باشد، به سبب دیگر تحولات مهم بین‌المللی نظیر: وقوع بحران افغانستان و عراق، بحران ۱۱ سپتامبر، بحران ریست با روسیه، بحران خاورمیانه، برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران و امروز هم موج دموکراتیک در بحران خاورمیانه و شمال آفریقا که به مراتب برای منافع آمریکا حیاتی‌تر بوده، موفق نشده است در تحولات بالکان چندان پررنگ و قوی ظاهر شود؛ به همین دلیل سعی نموده است سیاست‌های خود را در منطقه از طریق اتحادیه اروپا و ناتو اعمال کند، هرچند در مواقع ضروری و خاص نظیر: بحران بوسنی و هرزه‌گوین و بحران کوزوو با کمک ناتو مداخله مستقیم و نظامی کرد تا همچنان قدرت خود را حفظ و جایگاهش را تثبیت و تحکیم نماید. سفر جوزف بایدن، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا، و هیلاری کلیتون به کشورهای منطقه در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ نشان از اهمیت منطقه در سیاست خارجی آمریکا دارد.

اتحادیه اروپا، دیگر بازیگر مهم منطقه بالکان است. با بروز تحولات سریع پایان قرن بیستم و جنگ سرد تلاش کرد از طریق استراتژی الحاق و گسترش به اروپای مرکزی و شرقی به منظور تکمیل فرایند وحدت سیاسی اروپا و برقراری امنیت در این منطقه هم‌جوار خود، منافش را بهتر تأمین کند و گامی در جهت تثبیت قدرت خود در سطح جهان، به عنوان بازیگر فعال و مطرح منطقه بردارد. ضمن آنکه علاوه بر منافع سیاسی، منافع اقتصادی آن را نیز بهتر تأمین خواهد کرد. اتحادیه اروپا از طریق همگرایی و گسترش به این منطقه تلاش می‌نماید ثبات منطقه را که ثبات و امنیت خودش نیز هست تأمین کند. امروزه اگرچه اکثر کشورهای منطقه بالکان غربی عضو اتحادیه اروپا نشده‌اند، همگی عضویت در آن را در اولویت قرار داده و هدف غایی و قطعی خود تعیین کرده‌اند؛ لذا شاید اتحادیه اروپا با این اهرم بتواند در مقایسه با سایر کشورها، حوزه نفوذ خود را در این منطقه گسترش دهد و منافعش را بهتر تأمین نماید.

برخی از محققان معتقدند که تحولات بالکان موضوعی اروپایی است و این خود، مسئولیت اروپاییان را بیشتر می‌نماید. بعد از جنگ جهانی اول که جرقه آغاز آن در منطقه بالکان غربی زده شد، آرنولد جی توبینی از آن به عنوان «مسئله‌ای شرقی» یاد کرد، در حالی که حقیقت موضوع همان «مسئله غربی» بود؛ زیرا امروز با گذشت بیش از دو دهه از فروپاشی یوگسلاوی سابق و استقلال کشورهای منطقه و جنگ‌های قومی - منطقه‌ای بالکان، «مسئله بالکان» همچنان و بیشتر از گذشته به عنوان «مسئله اروپایی» مطرح است. آقای ژاک پوس، وزیر امور خارجه وقت لوکزامبورگ و رئیس وقت شورای اروپا در سال ۱۹۹۱ نیز از این

دوران به عنوان «دوران اروپایی» یاد کرد و امروزه شاهدیم که بعد از گذشت دو دهه از تحولات منطقه بالکان به ویژه بالکان غربی، اتحادیه اروپا همچنان بازیگر کلیدی و اصلی منطقه است که در جهت برقراری صلح، ثبات، امنیت، و ایجاد همگرایی کشورهای منطقه با این اتحادیه نقش اساسی ایفا می نماید؛ لذا امروزه گسترش اتحادیه اروپا به منطقه جنوب شرق اروپا و بالکان غربی از یک سو به اولویت اساسی آنان تبدیل شده و از سوی دیگر، الحاق کشورهای منطقه بالکان غربی به ساختارهای یورو - آتلانتیک نیز به عنوان مهم ترین اولویت و هدف غایی این کشورها مطرح است و این امر اهمیت اتحادیه اروپا را برای کشورهای منطقه نشان می دهد.

روسیه دیگر بازیگر مهم این منطقه، با دو هدف سیاسی و اقتصادی، با سیاست های اقتصادی و به ویژه با اهرم استراتژی و دیپلماسی انرژی با توجه به بحران انرژی اروپا، همچنان به دنبال نفوذ بیشتر خود در این منطقه از طریق حفظ وابستگی آنها به خود، ایجاد خطوط لوله، ساخت پالایشگاه و نیروگاه و همچنین خرید زیرساخت های انرژی در کشورهای منطقه بوده است. در بُعد سیاسی نیز برای فسکو موضوع کوزوو همچنان به عنوان «ورق چانه زنی» به منظور اعمال جاه طلبی های ژئوپلیتیکی خود در «خارج نزدیک» مطرح است تا حوزه نفوذ سیاسی خود را نیز همچنان حفظ کند و توسعه بخشد. هدف دیگر روسیه برای حضور در منطقه، حمایت از شریک سنتی خود صربستان در قبال موضوع کوزوو و همچنین تقویت جایگاه بین المللی اش با اهرم کوزوو است، به گونه ای که امروزه خود را مدعی تر از صربستان در این خصوص می داند تا قدرت چانه زنی اش را در صحنه بین المللی و در برابر رقبای خود به ویژه آمریکا افزایش دهد. روسیه علاوه بر دو اهرم سیاسی و اقتصادی فوق، به طور سنتی تاریخی از دو اهرم دیگر یعنی مذهب ارتدکس و قومیت اسلاو نیز در جهت تقویت قدرت، جایگاه، و موقعیت خود در منطقه بالکان بهره برده است.

ترکیه هم که از بازیگران اصلی ولی منطقه ای محسوب می شود، تلاش کرده تا با عبور از چالش های فراروی این فروپاشی، از فرصت های طلایی آن در جهت اهداف و منافع خود بهره بهینه ببرد؛ زیرا فروپاشی شوروی سابق و ابر قدرت شرق در عین آنکه بیشترین چالش را به ویژه در حوزه امنیت و بی ثباتی و ناامنی در کنار مرزهای آن ایجاد کرد، فرصت های زیادی را نیز فراروی این کشور نهاد. ترکیه با ایجاد تغییراتی در سیاست خارجی خود براساس تحولات جدید منطقه و جهان و همچنین با درک شرایط بین المللی و شناخت بازیگران بین المللی به این منافع خود رسیده است.

ترکیه، منطقه بالکان را به عنوان قلمرو تاریخی خود تلقی می کند و معتقد است این منطقه متعلق به امپراتوری عثمانی است و تلاش دارد خود را به عنوان رهبر معنوی مسلمانان این منطقه معرفی کند و به همین دلیل، در زمان دولت اسلامی اردوغان، حضور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی اجتماعی این کشور در منطقه بالکان افزایش یافت. ترکیه در چند سال اخیر، هم در حوزه اقتصادی و هم در حوزه سیاسی نیز با اتخاذ ابتکاراتی، راینی های سیاسی متعددی را به صورت دوجانبه، سه جانبه و حتی

همه‌جانبه آمریکا و ناتوست، کاسته شده است؛ ولی همچنان به‌عنوان یکی از بازیگران مهم و ذی‌نفوذ نزد ملل منطقه به‌ویژه مسلمانان ایفای نقش می‌کند. رژیم اسرائیل هرچند به‌عنوان قدرت منطقه‌ای بالکان مطرح نیست و در این پژوهش به آن پرداخته نشده است، نفوذ و قدرت پنهانی آن نیز زیاد، ملموس و انکارناپذیر است. از یونان و برخی قدرت‌های تاریخی که در دوره‌ای آنها را قدرت‌های مطرح منطقه می‌شناختند، امروزه هیچ خبری نیست.

با عنایت به مقدمه فوق، به‌نظر می‌رسد نه‌تنها با فروپاشی شوروی و ساختار دوقطبی از اهمیت این منطقه کاسته نشد، بلکه همچنان به‌عنوان یکی از مناطق مهم جهان از اهمیت استراتژیکی برخوردار است. بدین ترتیب، این پرسش‌ها مطرح می‌شوند که: منطقه بالکان چه ویژگی‌های استراتژیکی‌ای دارد که تا این حد مطمح‌نظر قدرت‌ها و بازیگران مهم منطقه‌ای و جهانی است؟ قدرت‌های مطرح و بازیگران ذی‌نفوذ در این منطقه که در پی کسب منافع خود در رقابتند کدامند؟ خط‌مشی‌ها و راهبردهای قدرت‌های مؤثر و مهم منطقه طی دو دهه اخیر در چه جهتی بوده‌اند؟ جمهوری اسلامی ایران در این منطقه از چه جایگاهی برخوردار است و راهبردهای آن چگونه‌اند؟ و چه چشم‌اندازی برای آینده منطقه با توجه به سابقه و پیشینه تلخ آن متصور است؟

این پژوهش درصدد است ضمن بیان سابقه، تاریخچه، اهمیت و ویژگی‌های منطقه بالکان و چشم‌اندازی که برای آن در آینده متصور است، بازیگران مهم منطقه جنوب شرق اروپا، منافع، اهداف، خط‌مشی‌ها و راهبردهای آنها در این منطقه را معرفی کند. آمریکا، روسیه و اتحادیه اروپا به‌عنوان بازیگران مهم و ذی‌نفوذ جهانی، و ترکیه و ج.ا.ایران به‌عنوان بازیگران منطقه‌ای قدرت‌هایی هستند که در این پژوهش به آنها پرداخته شده است. تمرکز اصلی کتاب، بررسی راهبردهای بازیگران مهم منطقه بالکان در سطح کلان با تأکید بر منطقه بالکان غربی به‌صورت خاص، در دو دهه اول قرن ۲۱ یعنی از زمان فروپاشی شوروی سابق و یوگسلاوی تا سال ۲۰۱۲ است.

برای پاسخ به سؤالات بالا، کتاب حاضر علاوه بر مقدمه، در هفت فصل و یک نتیجه‌گیری ساختاربندی شده است. در فصل نخست، با اشاره به تحولات تاریخی منطقه بالکان، تلاش شده است ضمن بیان گذشته این منطقه، به چشم‌انداز آتی آن نیز اشاره شود. بیان مختصات جغرافیایی، مختصات جمعیتی، مذاهب و اقوام منطقه، و ریشه‌های جنگ‌های خونین بالکان از دیگر بخش‌های مربوط به این فصل است که به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در ضمن، در مورد مکاتبت نظری مطرح در دو دهه اخیر و رویکردهای موجود درخصوص آینده منطقه نیز در این فصل تحقیق شده است.

در فصل دوم کتاب که به سیاست خارجی اتحادیه اروپا در منطقه بالکان غربی اختصاص دارد، ضمن اشاره به سابقه روند همگرایی و موضوع گسترش اتحادیه اروپا و مراحل آن، غلات و منافع اروپا در این منطقه و استراتژی‌های اتحادیه اروپا در حوزه جنوب شرق اروپا و بالکان غربی نیز مورد مذاقه و تحقیق قرار

گرفته است و در پایان، چشم‌انداز الحاق کشورهای منطقه بالکان غربی به اتحادیه اروپا نیز بررسی است. فصل سوم کتاب «سیاست‌ها و راهبردهای آمریکا در منطقه بالکان غربی» نام دارد. در این فصل، سیاست‌های آمریکا در دوره رؤسای جمهور مختلف این کشور نظیر: بوش پدر، بیل کلینتون، بوش پسر، و اوباما طی دو دهه اخیر در قبال این منطقه به‌طور مجزا بررسی شده است. کمک‌ها و حمایت‌های مالی، اقتصادی و نظامی آمریکا به کشورهای منطقه و چشم‌انداز آتی منطقه بالکان از نگاه آمریکا نیز از دیگر مباحث این فصل هستند.

«استراتژی، اهداف و منافع روسیه در منطقه بالکان» عنوان فصل چهارم است. در این فصل، ضمن اشاره به سابقه و تاریخچه حضور روسیه در منطقه طی دو دهه اخیر، اهداف و منافع این کشور در منطقه اعم از: اهداف سیاسی، اقتصادی، تاریخ، ژئوپلیتیکی، فرهنگی، و ژئواکونومیکی مورد بررسی قرار گرفته است. وضعیت انرژی در کشورهای منطقه، و جایگاه و نقش روسیه در وضعیت خطوط لوله نفت و گاز منطقه از دیگر مباحث این فصل هستند.

فصل پنجم کتاب به سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها، و اهداف ترکیه در منطقه اختصاص دارد. در این فصل، ضمن بیان اهمیت منطقه بالکان برای ترکیه و گفتمان‌های سیاست خارجی این کشور در مورد منطقه در دوره پس از جنگ سرد، به عوامل مهم اخیر در سیاست‌های بالکانی ترکیه یا منافع این کشور در این منطقه نیز پرداخته شده است. بیان فعالیت‌های عمده ترکیه در منطقه در دو دهه اخیر هم از بُعد قدرت نرم‌افزاری و هم از بُعد قدرت سخت‌افزاری از دیگر بخش‌های این فصل است. در پایان، سیاست خارجی ترکیه در بالکان غربی طی دو دهه اخیر به‌طور مجزا به‌ویژه در درون حکومت اسلام‌گراها مورد بررسی قرار گرفته است. به عبارتی، جایگاه بالکان در دکترین عمق استراتژیک درود و شان، وزیر امور خارجه دولت اسلام‌گرای ترکیه و سیاست‌های بالکانی این کشور در عصر جدید به‌طور ریشه‌ای و عمیق‌تر بیان شده است. در فصل ششم که به سیاست‌ها و خط‌مشی‌های ج.ا.ایران اختصاص دارد، ضمن بیان اهمیت منطقه بالکان برای این کشور و تشریح سیاست‌ها، راهبردها و اهداف آن در منطقه تلاش شده است تا موانع حضور فعال ایران طی سال‌های اخیر در مقایسه با دهه نود، با اشاره به برخی راهکارها برای حضور فعال‌تر و مؤثرتر معرفی شوند.

در فصل هفتم کتاب که یکی از فصول مهم آن است، سیاست‌ها و مواضع همه بازیگران مزبور در قبال دو بحران بوسنی و هرزگوین و کوزوو به‌عنوان بررسی موردی تشریح شده است. در این فصل، ضمن بیان ریشه‌های دو بحران کوزوو و بوسنی و هرزگوین و روندهای طی شده برای پایان جنگ با بررسی طرح‌های صلح مختلف، به سیاست خارجی همه بازیگران مطرح به‌طور جداگانه پرداخته شده است. در فصل آخر نیز از مباحث ارائه شده نتیجه‌گیری به‌عمل آمده است.